

Investigating the effect of banking operations and the economic growth of
provinces in the society with Islamic behavior

Abstract :

Banks are one of the most important institutions and the main pillar of the financial system of any economy, which, by attracting and allocating financial resources efficiently, provide the necessary platform to achieve economic growth and development, as the most important economic goal of the country. However, if the method of attracting and using deposits in the form of facilities is done in an unfavorable manner, it not only does not provide the means for economic growth and development, but also causes a crisis in the society. deposit and payment of facilities) and the economic growth of the provinces with different conditions were discussed. To achieve this, the provincial data (31 provinces) during the years 1391 to 1398 and the combined methods of Johansen and Julesius and vector error correction were used, based on The results of the amount of facilities, deposits and economic growth in the short and long term have a positive and meaningful effect on each other. Therefore, the interest-free banking system and the economic growth of the provinces have a reciprocal and increasing effect on each other.

key words:Banking without usury; Economic Growth; vector error correction model; gathering

فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۴)، تابستان ۱۴۰۰، صص ۵۷۴-۵۶۰

بررسی اثر عملیات بانکی و رشد اقتصادی استان ها در جامعه با رفتار اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴/۲/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲

قاسم رضایی^۱

حمید آسایش^۲

رضا معبود^۳

چکیده:

بانک‌ها یکی از نهادهای بسیار مهم و رکن اساسی سیستم مالی هر اقتصاد بوده که با جذب و تخصیص کارای منابع مالی بستر لازم برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، به عنوان مهمترین هدف اقتصادی کشور را فراهم می نمایند. اما، اگر شیوه جذب و به کارگیری سپرده در قالب تسهیلات به صورت نامطلوب انجام پذیرد، نه تنها موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم نمی‌سازد، بلکه باعث بروز بحران در جامعه می‌شود بنابراین در این مطالعه به بررسی اثر متقابل عملیات بانکداری بدون ربا (جذب سپرده و پرداخت تسهیلات) و رشد اقتصادی استان ها با شرایط مختلف پرداخته شد که برای دستیابی به این مهم از داده های استانی (۳۱ استان) طی سال های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۸ و روش های همجمعی جوهانسن و جولیوس و تصحیح خطای برداری بهره برده شده که بر اساس نتایج حاصله میزان تسهیلات، سپرده ها و رشد اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت اثر مثبت و معنا دار بر یکدیگر دارند. بنابراین سیستم بانکداری بدون ربا و رشد اقتصادی استان ها اثر متقابل و فزاینده بر یکدیگر دارند.

کلمات کلیدی:

بانکداری بدون ربا؛ رشد اقتصادی؛ مدل تصحیح خطای برداری؛ همجمعی

^۱ دانشجوی دکتری اقتصاد گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز، الیگودرز.....

Ghasem.rezaei57@gmail.com.....

^۲ استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آیت اله بروجردی، بروجرد

Hamid.asayesh@abru.ac.ir

^۳ استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه آیت اله بروجردی، بروجرد و استاد مدعو دانشگاه آزاد واحد الیگودرز

Maboudi@abru.ac.ir

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی از جمله مهمترین اهداف کشورها می باشد و اکثر دولتمردان تلاش می کنند که شرایط مناسبی را برای رسیدن به رشد اقتصادی فراهم آورند که در این راستا اثر بخش بانکی بسیار متمر ثمر می باشد (حسینی نژاد ماه خاتونی و محسنی مشتقین، ۱۳۹۶، ص ۸۵). بانک‌ها یکی از نهادهای بسیار مهم و رکن اساسی سیستم مالی هر اقتصاد به شمار می‌رود که به واسطه ارائه خدمات متنوع مالی و اعتباری، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه و رشد اقتصادی ایفا می‌نمایند. آن‌ها با جذب سپرده‌های مردم و به جریان انداختن منابع پولی جمع‌آوری شده به انجام وظایف خود می‌پردازند. چنانچه جذب، تخصیص و به جریان انداختن این منابع به صورت کارا صورت گیرد، خواهد توانست بستر لازم برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کند. اما، اگر شیوه جذب و به کارگیری سپرده در قالب تسهیلات به صورت نامطلوب انجام پذیرد، نه تنها موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم نمی‌سازد، بلکه باعث بروز بحران در جامعه می‌شود (آسایش و همکاران، ۲۰۱۵).

بانک‌ها با سازماندهی و هدایت دریافت‌ها و پرداخت‌ها، امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی می‌شوند. بانک‌ها و موسسات اعتباری با تجهیز پس اندازها و هدایت آنها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، اولاً سرمایه‌های راکد و احیاناً مخرب اقتصادی را به عوامل مولد تبدیل کرده و ثانیاً سایر عوامل تولید، به ویژه سرمایه‌های انسانی را که به دلیل کمبود سرمایه بیکارند یا با بهره‌وری پایینی کار می‌کنند، به سمت اشتغال کامل با بهره‌وری بالا سوق می‌دهند (فراهانی فرد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۵). از طرف دیگر بانک‌ها در میان صنایع مختلف، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند. زیرا آن‌ها می‌توانند از طریق دادن وام، تسهیلات و شرکت در پروژه‌های مختلف اقتصادی، شرایط را برای سرمایه‌گذاری آماده نموده و از این طریق در رشد و توسعه اقتصادی کشور موثر باشند. به همین دلیل علاوه بر کارایی بانک‌ها، بررسی اثربخشی آنها اهمیت می‌یابد، خصوصاً در سیستم اقتصادی ایران که در ماده ۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا از اهداف عملیات بانکداری بدون ربا رشد اقتصادی قرار داده شده است. البته یکی از مسائلی که می‌تواند عملیات بانکی و به عبارت دیگر سپرده و تسهیلات بانکی اثر گذار باشد شرایط و رشد اقتصادی می‌باشد (سارمتو و گالان، ۲۰۱۴، ص ۱۷) که با ایجاد درآمد منجر به افزایش سپرده‌ها و قدرت وام دهی بانک‌ها می‌گردد که البته لازمه این موضوع نیز کارایی و اثربخشی سیستم بانکی است. بر اساس مطالعات اولیه افرادی چون شومپتر مشخص شد که توسعه مالی باعث رشد اقتصادی می‌شود. شومپتر توضیح داد که نوآوره‌های تکنولوژیک نیرو محرکه رشد اقتصادی بلند مدت است و دلیل اصلی نوآوری، توان بخش مالی ای است که بتواند منابع مالی لازم را در اختیار کارآفرین قرار دهد. البته افرادی چون رابینسون هم بودند که در طرف مقابل قرار می‌گرفتند، و معتقد بودند که رشد اقتصادی، برای انواع مختلف خدمات مالی تقاضا ایجاد می‌کند، و در واقع رشد سیستم مالی، پاسخی است که سیستم مالی به این تقاضا می‌دهد. به بیان دیگر، هر جا که بنگاه اقتصاد برود بخش بانکی و مالی آن را دنبال می‌کند. اقتصاددانان در مورد اهمیت بانک‌ها در رشد و توسعه اقتصادی، نظرات متفاوتی دارند. جان هیکس (۱۹۶۹) معتقد است که سیستم مالی از طریق تجهیز سرمایه برای طرح‌های بزرگ، در آغاز انقلاب صنعتی نقش حیاتی را داشته است. جوزف شومپتر (۱۹۱۲) اظهار میدارد که بانک‌های خوب، با شناسایی و تأمین مالی کارفرمایانی که بیشترین شانس برای تولید محصولات جدید و یا اجرای طرح‌های ابتکاری دارند، موجب تقویت نوآوریهای تکنولوژیکی میشوند. روبرت لوکاس (۱۹۸۸) معتقد است که اقتصاددانان بیش از اندازه بر نقش عناصر مالی در رشد اقتصادی تأکید دارند. محققانی چون مک کینون و شاو بر این باور هستند که نقش سیستم بانکی و ارائه تسهیلات بانکی یک استراتژی و مقدمه ای برای رسیدن به رشد اقتصادی است (فتحی آقابابا و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۴۱). بنابراین برای موثر بودن سیستم بانکی بر رشد اقتصادی باید شرایطی فراهم باشد با عنایت به مطالب مارالذکر سوال اساسی این تحقیق این است که در ایران خصوصاً در استان‌ها با شرایط مختلف، اثر عملیات بانکداری بدون ربا (جذب سپرده و پرداخت تسهیلات) بر رشد اقتصادی استان‌ها چیست؟ اثر متقابل رشد اقتصادی استان‌ها بر عملیات بانکی بدون ربا چیست؟

بخش واقعی اقتصاد، ظرفیت محدود و مشخصی برای تولید دارد و برای گسترش فعالیت های آن به سرمایه گذاری های جدید نیاز است. بخش مالی اقتصاد، منابع مالی لازم برای سرمایه گذاری و به تبع آن توسعه بخش واقعی را فراهم می کند. همچنین این بخش، تولید و توزیع محصولات و خدمات در بازارهای واقعی اقتصاد را تسهیل می کند. بخش مالی باید بتواند منابع لازم را با کمترین هزینه برای تامین مالی بخش واقعی فراهم کند تا بهای تمام شده کالاها و خدمات بخش واقعی نیز بیش از حد متاثر از هزینه های مالی نشود. به علاوه، سیستم مالی باید بتواند منابع لازم را به طور هماهنگ و یکنواخت برای تمامی بخش های اقتصاد تجهیز کند تا همه بخش ها به صورت متوازن رشد کنند. (طاهرپور و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۴۹). در اقتصادهای بانک محور، نظام بانکی مسؤولیت بسیار سنگینی بر عهده دارد و در واقع یکی از مهمترین اجزای اقتصادی کشور، نظام بانکی است. بانکها میتوانند با فراهم آوردن منابع مالی و بستر مناسب سرمایه گذاری برای بخشهای اقتصادی، شرایط مناسبی را برای سرمایه گذاری فراهم آورند و باعث افزایش اشتغال و تولید ملی شوند. اهمیت بخش بانکی بر این مبنا استوار است که بانکها کانال اصلی پس انداز و تخصیص اعتبارات در یک اقتصاد هستند (امیری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۲) بنابراین بانک ها به عنوان یکی از ارکان اصلی بازار پول و نیز بزرگ ترین و با اهمیت ترین نهادهای فعال در این بخش، دارای نقش واسطه گری مالی هستند. این نقش در اقتصادهای بانک پایه ای مانند اقتصاد ایران، به مراتب بسیار مهمتر است. در چارچوب اقتصاد اسلامی نیز این نقش با حفظ اصول و موازین شرعی بر عهده بانک های اسلامی است. بانکهای اسلامی همانند سایر بانک ها، از یکطرف با سازماندهی دریافت ها و پرداختها، امر مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازارها می شوند. از طرف دیگر، با تجهیز پس اندازهای خرد و کلان و هدایت آنها به سمت بنگاه های تولیدی، زمینه های رشد و شکوفایی اقتصاد را فراهم می آورند و از طریق سازوکار وام دهی به خلق و رشد ارزش افزوده در بخش های مختلف اقتصاد کمک می کنند.

بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی، از انواع قراردادهای مالی بهره می گیرد. این بانک برای تأمین مالی نیازهای مصرفی، راههایی چون قرض الحسنه، مرابحه، اجاره به شرط تملیک، و برای نیازهای سرمایه گذاری، راههایی چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را معرفی کرده و به جای نرخ بهره، از نرخ سود که برگرفته از اقتصاد واقعی است، استفاده می کند و به جهت ماهیت وکالتی بانک از ناحیه ی سپرده گذاران، بر مصارف صحیح تسهیلات بانکی به اقتضای قراردادها، نظارت دارد. وجود چنین ویژگی هایی مانع از شکل گیری بازار پولی مستقل و برونزا از اقتصاد واقعی شده و از تشکیل حساب های پولی جلوگیری می کند. و سود بانکی را بر مبنای بازدهی در اقتصاد واقعی (معیار قانونی) شکل می دهد. نقش مفروض مخصوص بانک ها به عنوان وام دهندگان به طبقاتی از وام گیرندگان بانکی موجب افزایش وام هایی می شود که مخارج سرمایه گذاری (و احتمالاً مخارج مصرف کننده) را افزایش خواهند داد. بنابراین مشاهده میشود که با اعمال سیاست های پولی انبساطی از طریق افزایش در میزان سپرده های بانکی منجر به افزایش در میزان منابع بانکی و به دنبال آن افزایش در میزان وامدهی بانک شده که این امر منجر به تزریق منابع بانکی به بخش های مخالف اقتصادی از طریق وام و تسهیلات پرداختی میشود که افزایش در سرمایه گذاری رونق تولید و رشد اقتصادی را به دنبال دارد.

در خصوص بررسی اثربخشی نیز باید توجه داشت که بانک ها با جذب نقدینگی و اعطای تسهیلات، یکی از منابع مالی مهم و قابل دسترس برای بنگاه ها محسوب می شوند. از بعد نظری، به کارگیری صحیح و بهینه جریان وام و اعتبار می تواند افزایش سرمایه گذاری، تولید و اشتغال و در نتیجه رشد اقتصادی را به دنبال داشته باشد (منکیو، ۲۰۰۷، ص ۸). تسهیلات اعتباری به طور مستقیم و غیرمستقیم بر اشتغال واحدهای تولیدی و فرصتهای شغلی جدید تأثیر می گذارد. تزریق اعتبارات پولی به جریان تولید (به صورت سرمایه در گردش) در کوتاه مدت به دلیل ثابت بودن حجم سرمایه باعث افزایش اشتغال می شود. اما در بلندمدت که جریان وام و اعتبار تبدیل به سرمایه ثابت می شود، تغییرات تکنولوژیکی را به همراه دارد که با ارتقای دانش فنی میتواند عاملی در جهت رشد اقتصادی قرار گیرد. در ادبیات رشد اقتصادی علاوه بر نیروی کار، سرمایه و اعتبارات بانکی، سطح تکنولوژی و مصرف انرژی نیز وارد مدل های رشد شده اند (محمد نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۰). از دیدگاه نقش بازارهای مالی در رشد اقتصادی، می توان دو مکتب سستی را در اقتصاد توسعه از یکدیگر تشخیص داد. مکتب اول از نظریات شومپیتر (۱۹۷۲) الهام می گیرد. نوآوری های

تکنولوژیک نیروی محرکه رشد اقتصادی بلند مدت است. دلیل اصلی این نوآوری‌ها حمایت بخش مالی است. پیروان این مکتب اثرگذاری واسطه‌های مالی بر رشد بهره‌وری و تغییرات تکنولوژیکی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد.

مکتب دوم از دیدگاه رایبنسون (۱۹۵۲) الهام می‌گیرد. بر طبق این دیدگاه توسعه بخش واقعی اقتصاد، تقاضا برای انواع خدمات مالی را ایجاد می‌کند و بخش مالی به صورت خودکار به این تقاضا پاسخ می‌دهد.

اغلب تحلیل‌گران معتقدند تعمیق مالی می‌تواند سرعت رشد اقتصادی را افزایش دهد درحالی‌که برخی دیگر با این دیدگاه مخالفت کرده‌اند. به طور کلی مطالعات انجام شده در خصوص اثرگذاری توسعه مالی و رشد اقتصادی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

گروه اول به رابطه علیت از سمت توسعه مالی به رشد اقتصادی (دیدگاه رهبری عرضه) اعتقاد دارند، به این معنا که سیاست‌گذاران با توسعه بخش مالی (از طریق افزایش سطح پس‌انداز، حجم سرمایه‌گذاری و بالا بردن کارایی سرمایه‌گذاری) می‌توانند به رشد اقتصادی دست یابند. مک‌کینون (۱۹۷۳)، شاو (۱۹۷۳)، کینگ و لوین (۱۹۹۳)، لوین و زروس (۱۹۹۶)، تاون سند (۱۹۷۹)، دیاموند (۱۹۸۴)، بوید و (پرسکات (۱۹۸۶) بر تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأکید دارند.

گروه دوم معتقدند که رشد اقتصادی منجر به توسعه مالی می‌شود و جهت علیت از رشد به توسعه مالی (دیدگاه رهبری تقاضا) است. بنابراین رشد اقتصادی تقاضا برای خدمات مالی را در پی دارد که این خدمات منجر به توسعه بخش مالی می‌گردد. رایبنسون (۱۹۵۲)، جانگ (۱۹۸۶)، فریدمن و شوارتز (۱۹۶۳) و ایرلند (۱۹۹۴) از طرفداران این دیدگاه می‌باشند.

گروه سوم به رابطه دوسویه (علیت دوطرفه) رشد اقتصادی و توسعه مالی اعتقاد دارند. گرینوود و اسمیت (۱۹۹۷)، لویستل و خان (۱۹۹۹)، دمتریادیس و حسین (۱۹۹۶) از این دیدگاه حمایت می‌کنند.

گروه چهارم معتقدند که هیچ رابطه‌ای میان توسعه مالی و رشد اقتصادی وجود ندارد. رم (۱۹۹۹)، داوسون (۲۰۰۳)، می‌یر و سیرز (۱۹۸۴)، استرن (۱۹۸۹) و لوکاس (۱۹۸۸) این دیدگاه را تأیید کرده‌اند.

مکیان و ایزدی (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی، رابطه بین ساختار مالی و توسعه مالی به عنوان شاخص‌های توسعه نظام مالی بر روی رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی طی دوره ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۱ با استفاده از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بر مثبت و معنادار شدن اثر هر دو متغیر ساختار مالی و توسعه مالی به عنوان شاخص‌های توسعه نظام مالی بر رشد اقتصادی دلالت دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نظام مالی مبتنی بر بازار اثر قوی‌تری بر رشد اقتصادی دارد. همچنین، در کوتاه مدت رابطه علی یک طرفه از متغیرهای توسعه نظام مالی به رشد اقتصادی و در بلندمدت رابطه دوطرفه وجود دارد که فرضیه مرحله توسعه یافتگی پاتریک را تأیید می‌نماید.

زروکی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها، کاربرد رده بندی تلفیقی و روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی به بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در داده‌های استانی پرداخته‌اند. برای اندازه‌گیری توسعه مالی، شاخص‌های مختلفی نظیر نسبت تسهیلات به تولید ناخالص داخلی، نسبت سپرده بانکی به تولید ناخالص داخلی، نسبت بدهی بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی وجود دارد. اما چالش پیش‌رو در استفاده از داده‌های استانی، ناهمسان بودن رفتار داده‌های فوق در بین استان‌ها می‌باشد، به نحوی که انتخاب هر یک از آن‌ها به عنوان معیار توسعه مالی، می‌تواند نتایج متفاوتی را به همراه داشته باشد. بدین منظور، در این تحقیق کوشش شده تا معیارهای مختلف توسعه مالی براساس سازوکار تاپسیس تلفیق شده و یک رده بندی یکپارچه برای ۲۸ استان در هر یک از سال‌ها ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ حاصل شود. در مرحله بعد، اثر رده بندی فوق بر رشد اقتصادی با روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی برآورد و مخارج دولت و تورم نیز به عنوان متغیرهای کنترل در الگو لحاظ شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از همسویی درجه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران می‌باشد به نحوی که طی سال‌های مورد بررسی، همراه با کاهش درجه توسعه مالی در بخش بانکی، رشد اقتصادی استانی نیز کاهش نشان می‌دهد. اندازه دولت و تورم اثری معکوس و معنادار بر رشد اقتصادی استانی همراه بوده و به نوعی ناکارآمدی بانکی را تشدید نموده است.

لوین (۱۹۹۷) پنج کارکرد اساسی برای نظام مالی و بانکی در اقتصاد بیان می‌کند که ناشی از وظیفه اولیه سیستم‌های مالی، تخصیص منابع در طول مکان و زمان در محیطی ناشی از عدم اعتماد، به منظور بهبود هزینه‌های اطلاعاتی و معاملاتی است که عبارتند از: ۱. تسهیل مبادله، محفوظ ماندن از تنوع بخشیدن و تجمع ریسک؛ ۲. تخصیص منابع؛ ۳. نظارت نزدیک بر مدیران و اعمال کنترل بر

شرکها؛ ۴. تجهیز پس اندازها؛ ۵. سهولت بخشیدن به مبادله کالاها و خدمات. این پنج کارکرد از طریق دو کانال تراکم سرمایه ۲ و ابداعات تکنولوژیک ۳ بر رشد اقتصادی تاثیر می گذارند (سعیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷).

به طور کلی بانکها با جذب نقدینگی و اعطای تسهیلات، یکی از منابع مالی مهم و قابل دسترس برای بنگاهها محسوب میشوند. از بعد نظری، به کارگیری صحیح و بهینه جریان وام و اعتبار میتواند افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال و در نتیجه رشد اقتصادی را به دنبال داشته باشد (منکیو، ۲۰۰۷، ص ۳۱). تسهیلات اعتباری به طور مستقیم و غیرمستقیم بر اشتغال واحدهای تولیدی و فرصتهای شغلی جدید تأثیر میگذارد. تزریق اعتبارات پولی به جریان تولید (به صورت سرمایه در گردش) در کوتاهمدت به دلیل ثابت بودن حجم سرمایه باعث افزایش اشتغال می شود اما در بلندمدت که جریان وام و اعتبار تبدیل به سرمایه ثابت میشود، تغییرات تکنولوژیکی را به همراه دارد که با ارتقای دانش فنی میتواند عاملی در جهت رشد اقتصادی قرار گیرد.

دو کارکرد اصلی بانک ها جذب سپرده و پرداخت تسهیلات می باشد که باید رابطه این دو جز با رشد اقتصادی بررسی شود در ادامه برخی از مطالعات در این زمینه اشاره می شود:

• عوامل موثر بر تسهیلات بانکی

اعطای تسهیلات، نقش مهمی در انجام وظایف فعالان اقتصادی پیرامون کسب و کار، سرمایه گذاری و نهایتاً رسیدن به رشد واقعی در تولید دارد که متعاقباً تأثیر مثبت آن بر اقتصاد به عنوان یک کل، منعکس می شود. به عبارتی، افزایش تسهیلات اعطا شده توسط بانک ها، از جمله مواردی است که به افزایش رشد اقتصادی کمک می کند (گلزاریان پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳)

به طور کلی، عوامل موثر بر اعطای تسهیلات بانکی؛ به دو گروه عمده عوامل طرف تقاضا و عوامل طرف عرضه تسهیلات بانکی، تقسیم بندی می شوند.

عوامل طرف تقاضای تسهیلات، شامل عوامل جمعیت شناختی و عوامل اقتصادی-اجتماعی تقسیم بندی می شود. خصوصیات جمعیتی- اقتصادی خانوارها بر استفاده آن ها از تسهیلات بانکی تاثیر می گذارد. با توجه به فرضیه چرخه زندگی، تصمیم به گرفتن تسهیلات با سن ارتباط معکوس دارد. احتمال قرض گرفتن در افراد جوان بیشتر از افراد مسن است که ناشی از انتظارات درآمدی کمتر و ریسک پذیری در افراد مسن است.

عوامل طرف عرضه تسهیلات در سه گروه اصلی عوامل ترانزنامه ای و داخلی بانک ها (اندازه، نقدینگی، سطح سپرده، نرخ سود سپرده و تسهیلات)، متغیرهای کلان اقتصادی و سیاست های پولی مطرح است.

که متوسط نرخ سود تسهیلات، نسبت سرمایه به کل دارایی های بانک، حجم سپرده به کل دارایی ها، حجم سپرده ها یا نسبت سپرده ها به کل دارایی ها از عوامل داخلی موثرند. ایمران و نشاط (۲۰۱۳) نشان دادند که سپرده بالا، تاثیر مثبتی بر نرخ رشد اعتبار اعطا شده به بخش خصوصی دارد. یا اولوکیو (۲۰۱۱) نشان داد که حجم سپرده ها بر حجم اعطای تسهیلات بانک ها تاثیر قابل توجهی دارد. ایمران و نشاط (۲۰۱۳) دریافتند که رشد اقتصادی، اثر مثبت بر حجم تسهیلات بانک دارد.

• عوامل موثر بر جذب سپرده

تئوری های مختلفی در زمینه بررسی عوامل موثر بر حجم سپرده های بانکی وجود دارد. از آن جمله می توان به تئوری های مربوط به پس انداز نظیر تئوری های کلاسیک ها، نئوکلاسیک ها، کینز، نظریه دوره عمر فیشر، آندو مودیگیلیانی و درآمد دائمی فریدمن اشاره نمود. بطور کلی در یک تقسیم بندی کلی عوامل موثر بر جذب منابع بانکی را می توان به دو دسته عوامل درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم نمود. عوامل برون سازمانی عوامل غیر قابل کنترل مدیریت بانک است، عوامل نظیر نرخ تورم، نرخ رشد عرضه پول، درآمد ملی، رشد اقتصادی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت مسکن، نرخ ارز، نرخ بهره و سیاست های بانک مرکزی را شامل می شود و عوامل درون سازمانی عبارتند از: عوامل خدماتی، عوامل مالی، عوامل ارتباطی و انسانی و شرایط فیزیکی. مطالعات با مدل های فوق جهت توجیه عوامل موثر بر جذب سپرده های بانکی از تابع تقاضای پول فریدمن استفاده نموده اند. از دیدگاه این نظریه پرداز، پول یکی از صورت هایی است که افراد به آن وسیله ثروت خود را نگهداری می نمایند. وی پول، کالاها، اوراق قرضه و سهام را انواع دارایی

هایی معرفی می‌کند که شخص تمایل دارد ثروت خود را به صورت ترکیبی از آنها حفظ کند. بالاخره فریدمن چارچوب اصلی تقاضا برای پول را بر این اساس قرار داده است که نگهداری پول یک انتخاب برنامه مالی یا پرتفلیو می‌باشد. به این صورت که مردم بین حفظ پول و دیگر دارایی‌های مالی و همچنین کالا و خدمات دست به انتخاب می‌زنند. شاخص قیمت با توجه به اینکه ثروت غیرانسانی در تئوری فریدمن بر روی تقاضای پول موثر است و با افزایش قیمت‌ها فرد برای تأمین مایحتاج خود ناچار است پول بیشتری تقاضا کند. از طرفی با توجه به اینکه سرمایه انسانی در تقاضای پول فریدمن موثر است و بنا به نظر فریدمن به نوعی این متغیر با درآمد دائمی متناظر می‌باشد، در نتیجه با اعمال فروض و تبدیلاتی می‌توان متغیر درآمد ملی را در مدل لحاظ نمود. به همین دلیل متغیر درآمد ملی در مدل لحاظ شده است. تعداد شعب بانک و بانکداری الکترونیک نیز از جمله عواملی است که در متغیر سلیقه در تئوری فریدمن جای می‌گیرد. این عامل نه فقط برای مصرف‌کنندگان بلکه برای تولیدکنندگان نیز مطرح می‌شود. از یک طرف سلیقه مصرف‌کنندگان در تقاضای پول مؤثر است. از طرف دیگر، تولیدکنندگان نیز برای انجام هزینه‌های جاری خود، پرداخت دستمزد، خرید مواد اولیه و غیره به پول نیاز دارند. تقاضای پول تولیدکنندگان به عواملی مانند سطح فروش، تکنولوژی، هزینه‌های انتقال، سهولت انتقال، عوامل بازاری و غیره بستگی دارد. نرخ سود سپرده‌ها نیز با توجه به تئوری فریدمن به عنوان هزینه فرصت مناسب پول در نظر گرفته شده است (داودی و صمصامی، ۱۳۸۹).

• تاثیر بانک‌ها بر ارزش افزوده بخش‌های ذیربط

طبق نظریه نئوکلاسیک‌ها در شرایط اشتغال کامل با افزایش حجم نقدینگی با فرض ثابت بودن سرعت گردش درآمدی پول، سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد (صمصامی و امیرجان، ۱۳۹۰، ص ۳۲). لیکن در کوتاه مدت و در شرایط اشتغال ناقص افزایش نقدینگی منجر به افزایش تولید می‌گردد. طبق نظر نئوکلاسیک‌ها، جوزف شومپتر (۱۹۱۱)، استدلال می‌نماید که خدمات فراهم شده از سوی واسطه‌های مالی از ضروریات توسعه اقتصادی است. براساس جمع‌بندی نتایج مطالعات سیانی و استوک (۱۹۷۲)، عامل مالی در تابع تولید جمع‌آوری شده به عنوان یک عامل تولید تصدیق می‌گردد. تابع تولید آن عبارت است از:

$$Q = f(X_i, C)$$

که؛ $X_i = (X_1, X_2, \dots, X_n)$ یک مجموع از عوامل تولید است و C میزان تسهیلات می‌باشد. اعتبارات جایگزین پول واقعی در معادله است. در نگاه اولیه این دو متغیر متفاوت به نظر می‌رسند. طبق نظرات تیلور (۱۹۸۳)، تسهیلات می‌تواند همچنین به طور مستقیم تاثیر بگذارد. در حالت کلان، اقتصاددانان تصدیق می‌کنند که یک نهاد مالی (بانک و سیستم بانکی) بر روی ارزش افزوده یا سطح تولید اقتصاد اثر می‌گذارد. با توجه به بررسی‌های ارایه شده در فوق، بدون شک تسهیلات می‌تواند در روبرو شدن با مشکلات نوین جهانی و فشارهای کمبود نقدینگی و منابع، بنگاه‌ها را یاری نماید. تسهیلات از طرق مختلف می‌تواند اثرگذار باشد. مثلاً تسهیلات باعث توسعه نیروی کار ماهر و مدیران کارآزموده می‌گردد تا این مدیران و کارگران ماهر بتوانند با هدایت و جهت‌دهی درست منابع مسیر بهبود و رشد تولید را فراهم نمایند. یا می‌توان گفت که بنگاه برای تولید، نیاز به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای تولید دارد که برای خرید آن‌ها نیاز به نقدینگی می‌باشد و برخی از تسهیلات با عنوان سرمایه در گردش، باعث می‌گردد که اولین قدم در تولید امکان‌پذیر شود.

پیشینه تحقیق

درخصوص اثربخشی بانک‌ها و سیستم بانکی به صورت موردی تحقیق‌های مختلفی انجام شده است، ولی درخصوص اثربخشی سیستم بانکی با اثر متقابل رشد بر عملیات بانکی به صورت استانی تحقیق یافت نشده است برخی از تحقیق‌ها به شرح جدول ذیل هستند.

جدول ۱- پیشینه تحقیق

محقق	سال	نتیجه
------	-----	-------

شش پارامتر اساسی در مدل به منظور بررسی و ارزیابی عملکرد بانک اتحادیه و دیگر بانک های ملی به ثبت رسید است ۱. کفایت سرمایه و کیفیت عملکرد ارائه شده دارای ۲. سودآوری ۳. اولویت عملکرد اجتماعی بانکی ۴. رشد ۵. عملکرد بهره وری ۶. خدمات به مشتری. برای این شش پارامتر اساسی، در مجموع از تعدادی زیرپارامتر استفاده شده است. تمام پارامترهای اساسی و زیرپارامترها در درجات مختلف نسبت به ارزیابی عملکرد در تمام طول از بانک های مهم هستند.	۲۰۰۶	گوپال و دو
بهره وری بالا به همراه اثربخشی بالا در صنعت بانکداری هند بوجود می آید و به منظور بهبود عملکرد کلی، بانک های دولتی هند باید توجه بیشتری به قابلیت های درآمدزایی (به عنوان معیار اثربخشی) به نسبت توانایی برای تولید تسهیلات سنتی (به عنوان معیار کارایی) نمایند.	۲۰۱۰	کومار و گالاتی
بانک های استرالیایی با اندازه کوچک قادر به دستیابی به کارایی بالاتر هستند. علاوه بر این، برخی از بانک ها به دنبال سود توام با ریسک بالاتر پایدار در درازمدت نیستند. نتایج نشان می دهد که میانگین ریسک در بانک ها با اندازه کوچک بیشتر از بانک های بزرگ در طول دوره مطالعه است.	۲۰۱۱	مرادی و همکاران
کارایی کلی شعب بانک صنعت بانکداری تایوان با مالکیت مختلط نسبت به شعب بانک دولتی بهتر می باشد	۲۰۱۲	یانگ و لویی
برای اندازه گیری عملکرد کلی شرکت، تمام واحدهای تصمیم گیری براساس نسبت سود قبل از مالیات به دارایی ها بدست می آید	۲۰۱۳	رافائل
بین رشد و توسعه مالی رابطه یکنواخت یک به یک وجود ندارد و ارتباط بین آنها به سطح توسعه مالی در هر کشور بستگی دارد. به طوریکه در کشورهای با سطح توسعه مالی پایین، برخی از شاخص های توسعه مالی اثر منفی و گروه دیگر اثر مثبت ولی بسیار کم و قابل چشم پوشی بر رشد دارند	۲۰۰۳	ریوجا و والو
توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کشورهای نفتی عضو اوپک اثر منفی دارد. در حالی که همین رابطه در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی مثبت است	۱۳۸۶	عصاری و همکاران
تسهیلات بانکی به عنوان مکمل سرمایه تولیدکننده می تواند نقش مهمی در سرمایه گذاری و رشد تولید در استان داشته باشد و ضریب مدل بیانگر آن است که ۱٪ افزایش در تسهیلات بانکی استان می تواند ارزش افزوده (رشد اقتصادی) استان را به میزان ۰.۲۷ درصد افزایش دهد.	۱۳۸۸	سعیدی
علیت بین رشد اقتصادی و بانک یک طرفه و از سوی رشد اقتصادی به سمت بانک می باشد یعنی رشد اقتصادی باعث افزایش فعالیت بانک ها می شود اما فعالیت های بانکداری باعث رشد اقتصادی نمی شود	۱۳۹۳	جواهری و سبحانی
تمامی متغیرهای توضیحی مورد استفاده در مدل اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. همچنین مؤسسات مالی بانکی در مقایسه با مؤسسات مالی غیربانکی اثر بیشتری بر رشد اقتصادی دارند.	۱۳۹۴	فراهانی فرد و همکاران
میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی و میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی اثر منفی بر رشد اقتصادی در دوره مورد بررسی داشته است.	۱۳۹۴	ورهرامی و همکاران
تسهیلات اعطایی، رشد اقتصادی در بخش غیر نفتی اقتصاد ایران را بیشتر تحت تأثیر قرار می دهد که در این میان بیشترین رشد ناشی از تسهیلات اعطایی مربوط به بخش کشاورزی است.	۱۳۹۴	محمدنژاد و همکاران
یک درصد افزایش در شاخص عمق مالی موجب ۰/۷ درصد رشد اقتصادی در بلند مدت می شود. همچنین اثر آنی تعمیق مالی اقتصاد موجب رشد اقتصادی به اندازه ۰/۰۸ درصد می شود.	۱۳۹۶	فلیحی و بخارانی
اثربخشی در بانک های منتخب منفی بوده همچنین متوسط رشد بهره وری سپرده، سرمایه و متوسط رشد بهره وری کل عوامل تولید بدون اثربخشی مثبت بوده است.	۱۳۹۷	سیدنورانی و همکاران
اگر یک تکانه به اندازه یک انحراف معیار در تغییرات رشد مانده تسهیلات بانکی به وقوع بپیوندد باعث افزایش رشد ارزش افزوده شده و پس از ده دوره اثر آن خنثی خواهد شد.	۱۳۹۷	مرادی و همکاران
اعتبارات اعطایی بانک ها بر رشد اقتصادی استان ها تأثیر مثبت و معنی دار دارد	۱۳۹۸	ذوالقادر و

محقق	سال	نتیجه
همکاران		
فتحی آقابابا و همکاران	۱۳۹۹	تسهیلات اعطایی تاثیر مثبت و معنی داری بر بخش های اقتصادی داشته است.

روش کار

نوع تحقیق توصیفی و از نظر روش انجام، این تحقیق از نوع کتابخانه ای می باشد و به لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی است. محقق به منظور انجام تحقیق خود از کتابخانه‌ها، سایت‌های اینترنتی، مقالات موجود در نشریات علمی و پژوهشی، مراجعه به مراکز پولی و بانکی بهره‌برداری نموده است. بدین منظور با توجه به نیازهای مطالعه، سرفصل‌های آن مشخص شده و با مراجعه به مراکز ارائه دهنده خدمات پژوهشی مانند کتابخانه‌ها، فیش برداری‌های لازم همراه با منابع و مأخذ هر یک از اسناد صورت گرفته است و سپس به متن اصلی پایان‌نامه منتقل می‌شود. همچنین داده‌های تحقیق از بانک مرکزی و مرکز آمار و وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک‌ها اخذ می‌گردد. جامعه آماری تحقیق شامل سیستم عملیات بانکی بدون ربا بر اساس آمار ۳۱ استان می باشد که در نهایت ۳۱ استان برای ۸ سال از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در این روش از روش خودرگرسیون برداری پانلی برای بررسی اثر متقابل عملیات بانکی بدون ربا و رشد اقتصادی استان‌ها استفاده می‌شود.

مدل تحقیق:

رشد استانی، میزان سپرده‌ها، تورم استانی، درآمد سرانه استان، متوسط سن جمعیت استان، حجم f = تسهیلات استانی (سپرده به کل دارایی استانی و نسبت مطالبات غیرجاری)

(..... و تعداد شعب، تسهیلات استانی رشد استانی، تورم استانی، درآمد سرانه استان) F = سپرده استانی

(سپرده استانی، تسهیلات استانی، نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، مصرف انرژی) F = رشد اقتصادی استان

در ادامه برای برآورد مدل ابتدا به بررسی توصیفی متغیرها می‌پردازیم و در آخر با استفاده از نرم افزار *Eviews* به برآورد الگو و بررسی فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۲- بررسی آمار توصیفی متغیرهای مدل

معیار	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
تعداد شعب	600	601	679	523	45
میزان تسهیلات	328,254	90,498	12,452,577	16,897	1,256,335
نرخ تورم	21.86%	18.10%	42.02%	7.18%	11.12%
میزان سپرده‌ها	431,863	116,917	14,639,226	11,023	1,485,607
نسبت مطالبات غیر جاری	3.78%	3.79%	4.50%	3.00%	0.42%
سپرده به دارایی	10.03%	10.02%	11.98%	8.01%	1.13%
متوسط سن جمعیت	30.41	30.67	35.97	22.98	2.74
درآمد سرانه	195.47	144.2441	953.9207	71.64102	157.0064
رشد اقتصادی	2.24%	1.90%	3.860%	-3.755%	1.025%
میزان مصرف انرژی	254,000	136,000	1,960,000	32,991	360,000
نیروی کار	219,582	220,532	264,242	179,536	20,000
نرخ با سواد	85.18%	85.20%	89.93%	80.11%	2.89%

358,000	32,845	1,950,000	136,000	253,000	میزان سرمایه
---------	--------	-----------	---------	---------	--------------

همانطور که مشاهده می شود در طول دوره مورد بررسی میزان درآمد سرانه استان ها به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ بطور متوسط ۱۹۵.۴۷ میلیون ریال بوده و همچنین میزان نرخ تورم بطور میانگین برابر ۲۱.۸۶ درصد میباشد.

برآورد مدل

قبل از برآورد مدل ابتدا با استفاده از آزمون پایایی به بررسی ایستایی متغیرها پرداخته شده و پس از آن با استفاده از آزمون همجمعی جوهانسون به بررسی بردارهای همگرایی و در نهایت برآورد مدل تصحیح خطا پرداخته می شود که نتیجه بررسی ایستایی به شرح جدول (۳) است:

جدول ۳- بررسی پایایی متغیرهای مدل

متغیر	آماره Levin, Lin & Chu	سطح احتمال	سطح پایایی
تعداد شعب	-۳۵.۷۲	0.000	I(1)
میزان تسهیلات	-۲.۳۷	0.008	I(1)
نرخ تورم	-۴.۳۶۶	0.000	I(1)
میزان سپرده ها	-۱۰.۲۹	0.000	I(1)
نسبت مطالبات غیر جاری	-۲۴.۶۴	0.000	I(1)
سپرده به دارایی	-۲۶.۳۸	0.000	I(1)
متوسط سن جمعیت	-۱۱.۲۵	0.000	I(1)
درآمد سرانه	-۷.۲۳	0.000	I(1)
رشد اقتصادی	-۱۶.۲۵	0.000	I(1)
میزان مصرف انرژی	-۷.۲۴	0.000	I(1)
نیروی کار	-۲۲.۵	0.000	I(1)
نرخ با سواد	-۱۸.۴۴	0.000	I(1)
میزان سرمایه	-۷.۱۱	0.000	I(1)

همانطور که مشاهده می گردد تمامی متغیرها با یک بار تفاضل گیری پایا می شوند به همین می توان به بررسی آزمون هم جمعی و بررسی فرضیه ها آزمون در یک الگوی با استفاده از روش جوهانسون- فیشر پرداخت.

بررسی همجمعی به روش جوهانسون

در این قسمت آزمون همجمعی با استفاده از روش جوهانسون- فیشر برای یافتن روابط تعادلی بلند مدت میان متغیرهای معرفی شده در مدل انجام می گیرد. در این روش، ابتدا به آزمون تعداد وقفه های بهینه پرداخته می شوند. سپس از دو آزمون حداکثر مقدار ویژه و آزمون اثر برای تعیین تعداد بردارهای همجمعی استفاده می شود. جوهانسون- فیشر بیان می کنند .

ابتدا برای مدل ، به تعیین تعداد وقفه بهینه و تعداد بردارهای همجمعی پرداخته می شود. نتایج به ترتیب در جداول (۴) و (۵) نشان داده شده است.

جدول ۴- تعیین تعداد وقفه های بهینه بر اساس معیار شوارتز

معیار شوارتز	وقفه
55.21	0

معیار شوارتز	وقفه
*۴۶.۷۲	1
49.13	2
48.52	3

باتوجه به معیار شوارتز تعداد وقفه های بهینه برابر 1 وقفه می باشد. حال به بررسی تعداد بردارهای همجمعی می پردازیم که نتیجه آن در جدول ذیل آمده است.

جدول ۵- نتایج آزمون تعداد بردارهای همجمعی

مقدار احتمال	آماره آزمون فیشر (آزمون حداکثر مقدار ویژه)	مقدار احتمال	آماره آزمون فیشر (آزمون اثر)	فرضیه صفر
*0.000	44.28	*0.000	54.867	هیچ
0.0602	8.10	0.675	10.585	حداکثر یک بردار
0.0442	2.48	0.312	2.۲83	حداکثر دو بردار

همانطور که مشاهده میگردد در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر اساس آزمون اثر و آزمون حداکثر مقدار ویژه 1 بردار وجود دارد. بنابراین حداقل یک بردار همجمعی وجود دارد.

برآورد مدل تصحیح خطا

در این بخش به جهت بررسی رابطه بلندمدت و کوتاه مدت بین متغیرهای تحقیق، برای هر یک از تسهیلات، سپرده و رشد اقتصادی بطور جداگانه مدل تصحیح خطا برآورد می گردد.^۱ که نتایج این سه مدل به شرح جدول ذیل می باشد

جدول ۶- برآورد مدل تصحیح خطا^۲

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال ^۳
تفاضل مرتبه اول رشد اقتصادی	ECM	-0.0۱۳۶	0.00۰۲۵	-۵.۲۷	۰.۰۰۰
	تغییرات رشد اقتصادی با یک وقفه	0.48868	0.0643	7.59950	۰.۰۰۰
	تغییرات سپرده ها با یک وقفه	0.8570	0.3013	2.8444	۰.۰۰۰
	تغییرات تسهیلات	0.8161	0.2100	3.8867	۰.۰۰۰
	انرژی	0.5347	0.3172	1.6858	۰.۰۴۹۶
	سرمایه فیزیکی	0.2299	0.0650	3.5344	۰.۰۰۰
	نیروی کار	0.8419	0.1868	4.5083	۰.۰۰۰
تفاضل مرتبه اول سپرده ها	ECM	-۰.5939	۰.2208	-2.6898	۰.۰۰۰
	تغییرات رشد اقتصادی با یک وقفه	9.7877	2.9829	3.2813	۰.۰۰۰

^۱ به عبارت دیگر هر مرتبه یکی از سه متغیر تحقیق به عنوان متغیر وابسته مدل تصحیح خطا در نظر گرفته می شود.

^۲ برای جلوگیری از اطلاع کلام در میان متغیرهای برونزا تنها نتیجه برآورد ضریب متغیرهای برونزا معنا دار گزارش شده است.

^۳ میزان احتمال با استفاده از آماره های t و دستور @dtdist(x,v) در نرم افزار EViews استخراج شده است.

۰.۰۰۰	5.1812	0.0073	0.0379	تغییرات سپرده ها با یک وقفه	تفاضل مرتبه اول تسهیلات
۰.۰۳۹۶	1.9191	0.7911	1.5183	تغییرات تسهیلات	
۰.۰۰۰	-5.1077	0.6566	-3.3535	تورم	
۰.۰۰۰	3.6488	1.2910	4.7108	تعداد شعب	
۰.۰۰۰۵	2.7103	0.1885	0.5110	درآمد سرانه	
۰.۰۰۰	-3.7226	0.۰445	-۰.1658	ECM	
۰.۰۰۰	5.1114	0.5336	2.7273	تغییرات رشد اقتصادی با یک وقفه	
۰.۰۰۰	4.6803	0.8760	4.0998	تغییرات سپرده ها با یک وقفه	
۰.۰۰۰	3.0417	1.6378	4.9817	تغییرات تسهیلات	
۰.۰۳۵۶	1.8149	2.5257	4.5839	تورم	
۰.۰۰۰	-3.4803	0.1208	-0.4205	نسبت مطالبات غیر جاری	
۰.۰۰۰	2.4110	0.6816	1.6434	درآمد سرانه	

در هر سه مدل تصحیح خطای تسهیلات، رشد اقتصادی و سپرده با توجه به جدول فوق ضریب تصحیح خطا (ECM) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنا دار بوده و منفی می باشد بنا براین می توان استنباط نمود که علیت بلند مدت بین سه متغیر تسهیلات، رشد اقتصادی و سپرده در استان های کشور وجود دارد اما از آنجا که ضریب تک تک این متغیر ها در هر معادله به لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنا دار و مثبت است بنابراین علیت کوتاه مدت^۱ نیز بین آن ها برقرار است بنابراین هر چهار فرضیه این مطالعه تایید می گردد و در مورد سایر متغیر ها می توان گفت میزان درآمد سرانه اثر معنا دار و مثبت بر روی میزان سپرده و تسهیلات داشته و همچنین میزان نیروی کار، سرمایه فیزیکی و مصرف انرژی بر روی رشد اقتصادی اثر مثبت و معنا دار دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بدون عملکرد مناسب بخش بانکی بسیار میسر نیست چرا که بانک ها رکن اصلی سیستم مالی هر اقتصاد بوده که به واسطه ارائه خدمات متنوع مالی و اعتباری، نقش تعیین کننده ای در توسعه و رشد اقتصادی ایفا می نمایند. آن ها با جذب سپرده های مردم و هدایت آن به سمت بنگاه های اقتصادی با بازده مناسب شرایط لازم برای جهت نیل به رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می نمایند. اما، اگر شیوه جذب و به کارگیری سپرده در قالب تسهیلات به صورت غیر بهینه انجام پذیرد، نه تنها موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم نمی سازد، بلکه باعث بروز بحران در جامعه می شود (آسایش و همکاران، ۲۰۱۵).

اقتصاددانان در مورد اهمیت بانک ها در رشد و توسعه اقتصادی، نظرات متفاوتی دارند. جان هیکس (۱۹۶۹) معتقد است که سیستم مالی از طریق تجهیز سرمایه برای طرح های بزرگ، در آغاز انقلاب صنعتی نقش حیاتی را داشته است. جوزف شومپتر (۱۹۱۲) اظهار میدارد که بانک های خوب، با شناسایی و تأمین مالی کارفرمایانی که بیشترین شانس برای تولید محصولات جدید و یا اجرای طرح های ابتکاری دارند، موجب تقویت نوآوری های تکنولوژیکی می شوند. روبرت لوکاس (۱۹۸۸) معتقد است که اقتصاددانان بیش از اندازه بر نقش عناصر مالی در رشد اقتصادی تأکید دارند. محققانی چون مک کینون و شاو بر این باور هستند که نقش سیستم بانکی و ارائه تسهیلات بانکی یک استراتژی و مقدمه ای برای رسیدن به رشد اقتصادی است (فتحی آقابابا و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۱). بنابراین در این مطالعه سعی گردید که با توجه به مبانی نظری

^۱ لازم به ذکر است که از آنجا که متغیر ها با یک وقفه در مدل وارد شد اند نیازی به آزمون والد جهت بررسی علیت

کوتاه مدت نبوده و می توان به نتایج معنا داری از طریق آزمون t اتکا نمود

به این سوالات پاسخ داده شود که آیا در ایران خصوصاً در استان‌ها با شرایط مختلف، اثر عملیات بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی استان‌ها چیست؟ اثر متقابل رشد اقتصادی استان‌ها بر عملیات بانکی بدون ربا چیست؟ برای پاسخگویی به این سوالات با استفاده از مطالعات انجام شده و مبانی نظری مدلی طراحی گردید که با استفاده از روش خود رگرسیون برداری پنلی و داده‌های جمع‌آوری شده از بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۸ برآورد گردید که بر اساس نتایج حاصله میزان تسهیلات، سپرده‌ها و رشد اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت اثر مثبت و معنا دار بر یکدیگر دارند. بنابراین افزایش میزان سپرده گذاری که خود تحت تاثیر درآمد سرانه و رشد اقتصادی استان‌هاست موجبات افزایش تسهیلات و راه اندازی بنگاه‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد که این امر منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌گردد که در نتیجه آن افزایش درآمد سرانه و پس انداز و سپرده در پی دارد که منجر به تکرار چرخه اخیر الذکر می‌شود ولیکن می‌بایست توجه داشت در این بین عوامل برونزایی همچون مطالبات غیر جاری و تورم می‌تواند این چرخه را برهم زده و کارایی سیستم بانکی جهت نیل به رشد اقتصادی را کاهش دهد.

پیشنهادات بر مبنای نتایج تحقیق

- ✓ به تصمیم گیران در دولت پیشنهاد می‌گردد: با کنترل نقدینگی و اعمال سیاست‌های انقباضی موجبات کاهش تورم را فراهم آورند.
- ✓ به تصمیم گیران در بانک مرکزی پیشنهاد می‌گردد: با کنترل نرخ سود بانکی و تعدیل آن با نرخ تورم موجبات جذب سپرده‌های مردم را فراهم آورده و یا بانک‌ها برای جذب سپرده از ابزارها و مشوق‌های جدید همچون اوراق خزانه اسلامی و ... بهره ببرند.
- ✓ اصلاح سیستم اعتبار سنجی مشتریان بانک و بطوری کلی ایجاد سیستم اعتباری credit card و اعمال جریمه‌های سنگین برای افراد با درجه اعتباری پایین.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی:

- به محققین و پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد که:
 - ✓ عوامل موثر بر سپرده گذاری توسط مردم در استان‌ها با استفاده از روش اقتصادسنجی بیزی.
 - ✓ بررسی صنایع و رتبه بندی آن‌ها بر اساس بازدهی در استان‌ها جهت کمک به سیستم بانکی در اعطای تسهیلات
- بهین: _____

فهرست منابع و مآخذ

- ابونوری، اسماعیل، سپانلو، هادی، «تجزیه و تحلیل آثار عوامل درون سازمانی بر جذب سپرده بانکی» (۱۳۸۴)، مطالعه موردی: بانک ملت تهران، دو ماهنامه علمی-پژوهشی رفتار دانشور، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، دوزه جدید، شماره ۱۴، ص ۶۷-۸۰.
- اسدی، داراب، «بررسی عوامل کلیدی موفقیت بانکها در جذب منابع غیر تعهدی» (۱۳۸۹)، مطالعه موردی بانک مسکن استان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت علوم بانکی، موسسه عالی بانکداری ایران.
- امیری، حسین، (۱۳۹۷)، «ارزیابی کارایی بانکهای منتخب در ایران و ارتباط آن با متغیرهای درون بانکی و کلان اقتصادی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال هفتم، شماره ۶، ص ۸۹-۱۱۴.
- امینی اصل، اسماعیل، (۱۳۹۲)، «تاثیر بی ثباتی اقتصاد کلان بر رفتار اعطای تسهیلات بانک های دولتی در ایران»، پایان نامه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده اقتصاد.
- امینی، صفیاء، محمدی، سمیه، فخرحسینی، سیدفخرالدین، (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل مؤثر بر جذب سپرده های بانکی، بانکهای منتخب با تأکید بر بانک صادرات ایران»، فصل نامه تفتصاد مالی، دوره ۳، شماره ۶، ص ۹۱-۱۰۳.
- بابایی، النا، (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر مانده سپرده های بانکی با تأکید بر سپرده های بانک ملی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- بهجت، رضا، (۱۳۸۱)، «بررسی تاثیر تسهیلات اعطائی سیستم بانکی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنعت در اقتصاد ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز
- پاسبانی، فرید، (۱۳۸۰)، «بررسی اثرات متغیرهای کلان در جذب منابع بانک ملت طی سال های ۱۳۵۷-۷۷»، پایان نامه کارشناسی ارشد واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی.
- جوهری، بختیار و سجایی، بهرام، (۱۳۹۳)، «بانک و رشد اقتصادی ایران»، کنفرانس بین المللی توسعه و تعالی کسب و کار، تهران
- حسینی نژاد ماه خاتونی، سید باقر و محسنی مشتقین، علی، (۱۳۹۶)، «بررسی نقش بانک ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۳، ص ۸۱-۸۹.
- خسروجردی، وجیهه، (۱۳۹۲)، «بررسی مقایسه ای اثرگذاری سیاست پولی بر اعطای تسهیلات بانک های خصوصی و دولتی در ایران»، پایان نامه، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد.
- خوانای مقدم، مریم، (۱۳۸۱)، «بررسی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر تجهیز منابع بانکی مورد رفاه طی سالهای ۱۳۷۱ - ۱۳۷۹: تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت مصرف کننده»، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت و علوم اجتماعی، ازاد اسلامی تهران
- داودی، پرویز، صمصامی، حسین، (۱۳۸۸)، «پول و بانکداری»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (۱).
- دهقانی، محمد علی، (۱۳۹۰)، «ساختار و عملکرد صنعت بانکداری ایران»، دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکترای اقتصاد.
- ذوالقدر، حمید، اصغرپور، حسین، پورعبادالهان، محسن، (۱۳۹۸)، «تأثیر اعتبارات اعطایی بانکها بر رشد اقتصادی با توجه به سطح درآمد استانها»، فصلنامه سیاست گذاری اقتصادی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ص ۱۲۵-۱۵۰.
- رازانی، مهدی، (۱۳۸۲)، «بررسی و معرفی روش های جدید و مؤثر جذب منابع مالی در شعب بانک تجارت استان لرستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان.
- رضایی پور محمد، نجارزاده، ابوالفضل، ذوالفقاری مهدی، (۱۳۹۱)، «بررسی رفتار سپرده گذاران بلندمدت نسبت به تغییرات نرخ بهره بانکی»، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۳، ص ۱۵۵-۱۶۹.
- رنجبریان، بهرام، غلامی کرین، محمود، (۱۳۸۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر ترجیح مشتریان در انتخاب یک بانک دولتی، مطالعه موردی: شهر اصفهان»، دو ماهنامه دانشور رفتار، سال سیزدهم، شماره ۲۰، ص ۴۹-۶۰.

- سعیدی، پرویز، (۱۳۸۸)، «ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی»، پژوهشنامه اقتصادی، ویژه نامه بانک، شماره ششم، ص ۱۶۷-۱۹۳.
- سیدنورانی، سیدمحمد رضا، شاکری، عباس، خادم علیزاده، امیر، وفایی یگانه، رضا، (۱۳۹۷)، «سنجش شاخص‌های بهره‌وری بانک‌های منتخب نظام بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر کارایی و اثربخشی)»، پژوهشنامه اقتصادی دوره ۱۸، شماره ۷۰، ص ۱۸۵-۲۰۷.
- صامتی، مجید، دلالی اصفهانی، رحیم، کارنامه حقیقی، حسن، (۱۳۹۰)، «الثیر بی ثباتی اقتصاد کلان بر رفتار وام دهی بانک های تجاری در ایران ۱۳۵۳-۱۳۸۷»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، دوره ۱۹، شماره ۶۰، ص ۵-۲۸.
- صمصامی، حسین، امیرجان، رضا، (۱۳۹۰)، «بررسی اثر تسهیلات بانکی بر ارزش افزوده بخش صنعت و معدن، پژوهش ها و سیاست های اقتصادی»، پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۹، ص ۱۲۹-۱۴۹.
- طاهر پور، جواد، محمدی، تیمور، فردی، رضا، «نقش توزیع تسهیلات اعطایی بانک ها در رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۶۹، ص ۱۳۳-۱۶۲.
- عطاران، جواد، دیواندری، علی، آدینف، حیات، ۱۳۹۱، «شناسایی عوامل موثر بر تحکیم بازار، تحقق مزیت رقابتی پایدار، خدمات بانکی در بانک ملت بر مبنای دیدگاه منبع محور»، فصلنامه مدیریت بازرگانی، سال چهارم، شماره ۱۲، ص ۹۱-۱۱۲.
- فتحی آقابابا، محسن، عزیزی، خسرو، محمودزاده، محمود، ۱۳۹۹، «بررسی آثار تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی (رهیافت حالت پایدار)»، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، دوره ۲۸، شماره ۹۴، ص ۴۲۷-۴۵۵.
- فراهانی، مریم، (۱۳۹۱)، «تاثیر شاخص های کلان اقتصادی و سیاست های پولی بر وام دهی بانک ها»، پایان نامه؛ دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- فراهانی فرد، سعید، فشاری، مجید، خانزاده، یاور، (۱۳۹۴)، «تأثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران ره یافت گشتاور تعمیم یافت (GMM)»، مدل سازی اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۱، ص ۲۱-۴۱.
- گلزاریان پور، سیاوش، گلمرادی، حسن، اسماعیلی، مهدی، (۱۳۹۸)، «عوامل موثر بر اعطای تسهیلات بانک های تجاری ایران با تاکید بر مطالبات غیر جاری»، پژوهش های برنامه و توسعه، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۱۱-۱۴۹.
- محرابیان، آزاده، شفائی، بهزاد، (۱۳۸۹)، «تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه علوم اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۰، ص ۵۳-۷۰.
- محمدنژاد، نیما، فطرس، محمدحسن، معصومی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «تحلیل ارتباط بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی»، دوفصلنامه اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید، سال بیست و دوم، شماره ۱۰.
- مرادی، ابراهیم، غفاری اسمعیلی، سید مرتضی، احمدی، آرش، (۱۳۹۷)، «تأثیر رشد تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی و سرمایه گذاری در ایران»، فصلنامه پژوهشهای پولی-بانکی، سال یازدهم، شماره ۳، ص ۱-۲۴.
- منصف، عبدالعلی، منصوری، نسرین، (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل موثر بر حجم سپرده های بانکی با تاکید بر نرخ سود اوراق مشارکت: ۱۳۸۷-۱۳۶۷»، مجله دانش و توسعه، سال هفدهم، شماره ۳۴، ص ۶۹-۹۰.
- مومنی، علیرضا، جوادزاده، محمد، تیزفهم، مهدی، (۱۳۸۹)، «ارزیابی عملکرد راهبردی بانک ها»، مطالعات مدیریت راهبردی، (۱)، ص ۱۴۱-۱۵۹.
- میرهاشمی، سیمین، (۱۳۹۰)، «تحلیل تاثیرات شوک سیاست پولی بر وام شبکه بانکی ایران»، پایان نامه دانشگاه اصفهان، اقتصاد
- نادران، الیاس، (۱۳۸۳)، «اثر سیاست های اعتباری بر ارزش افزوده بخش صنعت ایران»، مجله جستارهای اقتصادی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۹-۴۲.
- نصیبیان، شهریار، خلیج، احمد، (۱۳۸۰)، «اثرات تسهیلات بانک کشاورزی بر متغیرهای کلان بخش کشاورزی»، خلاصه طرح های بانک کشاورزی، دوره ۴، شماره ۱، ص ۳۷-۵۶.

نگین تاجی، زیر، امیدی کیا، مهدی، (۱۳۹۲)، «اثر تسهیلات بانکی بر متغیرهای کلان بخش کشاورزی»، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۴، ص ۷۱-۸۷.

ورهرامی، ویدا، جواهردهی، سمانه، دشتبان فاروجی، سحر، (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از روش پانل ور؛ مطالعه موردی کشورهای گروه D8»، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوه ۲، شماره ۴، ص ۳۹-۶۵.

Abduh M., Chowdhury N.T., (2012), Does Islamic Banking Matter for Economic Growth in Bangladesh? *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, Vol. 8 106 No. 3

Abhiman Das, Subhash C. Ray, Ashok N.,(2009), *Labor-use efficiency in Indian banking: A branch -level analysis*, Omega, Vol.37, Issue 2, 411-425

Aisen, A,m Michel, F., (2010), Bank credit during the 2008 Financial crisis,: A cross-country comparision , IMF working paper 10/47

Asayesh, h, hosseini nasab, s.e, sahabi, b, (2015), comparing technical efficiency in Iranian public and private banks with SFA in 2006-2009, *International of review in life sciences*, volume 5, Issue7

Finger Harald, Fanizza domenico, (2009),. Lebanon-determinants of commercial bank deposits in a regional financial center, Middle east and central asia department in IMF

Gopal, M.; Dev, S. (2006), Productivity and Profitability of Select Public Sector and Private Sector Banks in India: An Empirical Analysis, *The ICAFI Journal of Bank Management*, Vol.5, No.4, 59-67

Kumar S., Gulati, R., (2010), Measuring efficiency, effectiveness and performance of Indian public sector banks, *International Journal of Productivity and Performance Management*, Vol. 59 Iss: 1, 51 – 74

Lee J., Y., Kim, D., (2013), Bank performance and its determinants in Korea, Japan and the World Economy 27, 83–94

Mankiw, N. G. (2007), *Macroeconomics*, 6 th Ed Worth Poblshers, PP. 271-358.

Moradi-Motlagh Amir, Salman Saleh Ali, Abdekhodae Amir, 2011, Ektesabi Mehran, Efficiency, Effectiveness and Risk in Australian Banking Industry, *World Review of Business Research* Vol. 1. No. 3. 1-12

Rabab, Mwafag,(2015), Factors Affecting the bank credit: An Emprical study on the Jordan commercial banks , *international journal of economics and finanance* , vol 7, no 5

Raphael, G.,(2013), Measuring efficiency, effectiveness and performance of Tanzanian commercial banks: A two stage analysis, *European Journal of Business and Management*, Vol.5, No.7

Rioja, F. and valev, N. (2003), Finance and the Sources of Growth of Various Stages of Economic Development, *Economic Inquiry*.

Sarmiento1, M., Galán, J. E., (2014), Heterogeneous Effects of Risk-Taking on Bank Efficiency: A Stochastic Frontier Model with Random Coefficients, *Statistics and Econometrics Series* (13), Working Paper 14-20

Sharma,p., Gounder , N., (2012), determinants of bank credit in small open economies: the case of six pacific island countries, discussion paper finance, giffith business school, griffth university , no 13

Yang C., Liu H.M.,(2012), Managerial efficiency in Taiwan bank branches: A network DEA, *Economic Modelling*, No. 114, 450–461